

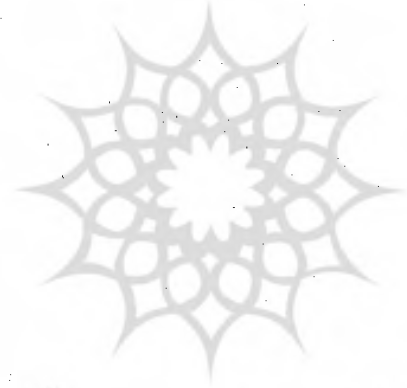
موسیقی، بخش غیر قابل تفکیک از زندگی، طبیعت و ناخودآگاهی انسان است. عناصر سازنده موسیقی از بدو خلقت تاکنون در طبیعت، هستی و کائنات حضور مداوم داشته و مغز متفکر انسان، این عناصر را در ترکیب هنری و بیان ویژه خود، تجلی دوباره می دهد.

اولین آشنایی انسان با موسیقی را از طریق صداهای طبیعت (باد، پرندگان، رعد و برق، ...) حدس زده اند و اولین گامها برای تولید صدا را، بعد از تقلیدهای حنجره ای، یافتن لوله های مجوف و سوراخ کردن آنها و دمیدن در آنها، و سپس کشف قابلیت تشدید صوت در کاسه خالی و بستن زه بر روی آن و به ارتعاش درآوردن آن با انگشت و ...، و تکامل آنها در گذر زمان دانسته اند. بی تردید، موسیقی از ابتدا به صورت «کاربردی» و از عوامل کمکی زندگی انسان مطرح شده و بعدها شکل ناب هنری خود را در کاربردهای معنوی و مراسم آیینی بازیافته است. آوازه های پاروزنان آبها، گندمکاران دشتها، لالایی مادر، طیبیان قدیم، اوراد و عزایم رانندگان شیاطین و غیره، هنوز هم در موسیقی مناطق بدوی

دیده می شود.

گذشته از نقوش غارها و آثار دستی اولین انسانها که قابلیت استخراج مفاهیم موسیقایی از آنها وجود دارد، اولین آثار مشخص موسیقی از کهن ترین عهدها، نقش چنگ (هارپ) بر سنگ کنده شده ای است که از مردم سومر باقی مانده و مربوط به حدود ۲۰۰۰ سال قبل از میلاد مسیح است. تکامل عملی موسیقی مربوط به دوران طلایی یونان باستان و تجلی اساطیر یونانی در قالب های هنری است. یونانیان به طور جدی موسیقی را در کنار ادبیات و فلسفه بررسی کردند، در آن غور و تفحص کردند، آن را جلوه ای از نظام کائنات پنداشتند، سازهای مختلف اختراع کردند و برایش تئوری نوشتند و هنوز هم این پشتوانه تئوریک مطرح است. ملل مختلفی از جمله ایران از این پشتوانه نظری برای تدوین تئوری موسیقی خود استفاده کردند.

وارث موسیقی یونانیان باستان، روم باستان شد و با انحطاط تدریجی تمدن روم و ظهور دین مسیح، موسیقی از آن ورطه ابتدال که در اواخر تمدن رومی گرفتارش بود،



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
مرکز ملی علوم انسانی

● رامتین همایون فصلی

فشرده از

تاریخ موسیقی در ایران

خارج شد و بخشی از فرهنگ کلیسا تلقی گردید. موسیقی جهان متمدن، هنوز هم میراث خوار بنای عظیم و متعالی موسیقی کلیسا و دستاوردهای نظری - عملی آن است. این موسیقی، بانظم و انضباط عالی و فرهنگ مکتوب و پشتوانه‌ای از فرهیختگی و ایمان، رشد کرد و حتی وسیله‌ای برای بیان ممتازتر موسیقی مردمی، موسیقی جاری و میراث صوتی توده مردم شد.

بعد از پایان قرون وسطی، موسیقی نیز جهشهای عظیمی کرد. از قید و بند عالی جنابان کلیسا بیرون آمد و به بیان مضامین مربوط به زندگی زمینی، احساسات انسانی و مسائل واقعی بشری پرداخت. موسیقی مذهبی، نوعی خاص و ویژه خود شد و در همان چهارچوب باز یافته، دریافت کننده آثار آهنگسازان نابغه‌ای شد که در عین بیان مسائل بشری، ایمان مذهبی خود را به عمیق ترین شکل در آثارشان بیرون ریختند. موسیقی «ساز» ی پیشرفت کرد و در روند بعد از جنگهای صلیبی، بین مشرق زمین و مغرب زمین، تبادل هنری و فرهنگی برقرار شد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پربال جامع علوم انسانی

موسیقی ردیف و دستگاهی
موسیقی در ایران

موسیقی جهان متمدن، تحولات بسیاری در دوره های مختلف دید و در هر دوره، هنرمندان والامقام، آثار جاودان و فراموش نشدنی به بشریت تقدیم کردند. در دوران باروک، یوهان سباستیان باخ، اساس تئوریک موسیقی غرب را به عالی ترین شکل پی ریزی کرد و استاندارد او هنوز هم استاندارد زمان ماست. گام باخ، تثبیت شد، سازها تکامل پیدا کردند، فرم های قدیمی از نو ساخته شدند و فرم های جدید پدید آمدند. هارمونی وارد سیر تکاملی خود شد و فرم سمفونی و ارکستر سمفونیک در کنار آن، پدید آمدند. موسیقی وارد دوران کلاسیک و بعد از آن، رمانتیک و بعدها مدرن و غیره شد که بعد از قرن بیستم، تحولات بسیار عظیم تری در موسیقی حادث شد که به اندازه تمام چند قرن قبل از آن، دارای اهمیت است. در قرن بیستم، قوانین و قواعدی که ثابت الی الابد به نظر می آمدند، تجدید نظر شدند و دنیاهای ناشناخته ای از موسیقی بر روی بشر گشوده شد. چه در زمینه موسیقی رسمی (کلاسیک) و چه انواع و اقسام موسیقی های دیگری که از تبادل گسترده تجربیات فرهنگی بشری حاصل شده بود. اکنون دیگر موسیقی غرب، موسیقی ویژه جغرافیایی تمدن غربی نیست. بلکه زمانی است جهانی و بین المللی که هر ملتی می تواند با توجه به استعداد و شرایط و تجربیاتش از درک دنیای نو، میراث قومی خود را در آن قالب بیان کند و مخاطبانی در سطح گسترده بشری بیابد.

موسیقی در ایران: از دوران باستان تا دوران کنونی

موسیقی ایران، سابقه ای طولانی و بسیار زیاد دارد. اما به دلیل فقدان فرهنگ مکتوب و ذهنیت حفظ و نگهداری آثار فرهنگی و تاریخ، پیشینه مدون و منظمی از آن در دست نیست. بلکه از هر دوره اطلاعات پراکنده ای موجود است که ارتباط موضوعی و زنجیره ای با یکدیگر، بیشتر از لحاظ معنایی و محتوایی خاطره قومی ایرانیان در طی تاریخ است تا قواعد تئوریک و مسائل فنی. نکته دیگر این است که فرهنگ ایرانی، استعداد جذب و همضم فرهنگهای دیگر را بسیار زیادتر از آنچه که تصور می رود دارا بوده و در واقع فرهنگ ایرانی از همین جذب ها و تعاطلی ها و تبادلها ساخته شده است. یعنی عناصری را از فرهنگهای دیگر اخذ کرده و سپس آنها را از ذهنیت خود گذرانده و «ایرانی» کرده است. از موسیقی دوران قبل از مادها اطلاع دقیقی در دست نداریم و همین قدر می دانیم که وجوه کاربردی موسیقی، همانطور که در سایر ملل و اقوام باستان وجود داشته در آنها هم حضور داشته است. اطلاعات اولیه ما از موسیقی دوره هخامنشی است. در این دوره سه نوع موسیقی مذهبی، رزمی و بزمنی، رواج داشت و مورخان یونانی از قبیل هرودوت و گزنفون به کرات به این موسیقی های ایران اشاره کرده اند. بخش عمده موسیقی مذهبی و سرودهای مذهبی،

وابسته به متون زردشتی از قبیل «گاتاها» بوده که موبدان می خوانده اند. بخشی از این سرودها را محققان انگلیسی و آمریکایی از قبیل «جان درپیر» باز یافته و برگردان کرده اند. بقایای این میراث معنوی هنوز هم در موسیقی بعضی مناطق کردنشین ایران به صورت نامهای گاتار و گتار (شاید گوشه «قطار» در موسیقی سنتی) موجود است. موسیقی رزمی هم هنگام تشجیع سربازان برای جنگ نواخته می شد و حضوری جدی در فرهنگ رزمی ایرانیان داشت. در سال ۱۳۳۶ شمسی هنگام حفاری های تخت جمشید، جنب آرامگاه اردشیر سوم هخامنشی، شیپوری فلزی به طول ۱۲۰ سانتیمتر به دست آمد که از خانواده کرنای است و این نمونه از سازهای رزمی دوره هخامنشی به حساب می آید. موسیقی رزمی نیز هنگام جشنهای قومی و آیینی نظیر سده و مهرگاه نواخته می شد.

از موسیقی ایران در دوره پانصد ساله حکومت سلوکیان و اشکانیان نیز اطلاعی در دست نیست. قدر مسلم آن است که فرهنگ ایران در آن دوره تحت تأثیر مستقیم فرهنگ یونانیان بوده که خود امرای اشکانی نیز در تأثیر آن فرهنگ بودند. عصر طلایی موسیقی ایران دوران ساسانی است که عصر گسترش تمدن و قدرت نظامی و وسعت خاک و قدرت مردم ایران بوده است. بهرام گور، موسیقی را تا حد غیرتصوری تقویت کرد و با ارمغان، اردشیر بابکان در طبقاتی کردن مردم، موسیقیدانان ممتاز در طبقه مردم آبرومند و قابل احترام جای گرفتند. در عصر خسرو پرویز، موسیقیدانان نام آوری چون بارید و نکبسا و سرکبس و رامتین و بامشاد و آزادوار ظهور کردند و بارید با اختراع سیصد و شصت مقام به تعداد روزهای سال، بر وسعت موسیقی افزود. نام این مقامات در دیوان شعرای چند قرن بعد نظیر منوچهری دامغانی و نظامی گنجوی باقی مانده است. سازهای موسیقی دوره ساسانیان نیز همپا با موسیقی، از تنوع برخوردار شدند و نام بسیاری از آنها باقی مانده است.

تأثیر موسیقی دوره ساسانی تا قرنهای بعد به صورت مستقیم بر موسیقی کشورهای همجوار، از ارمنستان تا عربستان، واضح و مشهور بوده است. بعد از ظهور اسلام و سلطه اعراب بر ایران، موسیقی ایرانی در قالب جدید متناسب با شرایط تاریخی زمان خود، رشد مجدد پیدا کرد. اعراب جاهلی که از موسیقی بهره ای بسیار اندک داشتند، ذوق بدوی سرشار خود را با تأثیرپذیری از فرهنگ عظیم موسیقی ایران رشد و اعتلا بخشیدند. نام یونس کاتب به عنوان نویسنده اولین کتاب موسیقی: «النغم» از آن دوران به یادگار مانده است. بعد از دوره حکومت سختگیرانه خلفای راشدین، موسیقی کم کم دوباره مطرح شد و در عهد امویان به رشد نسبی رسید. در دوره خلفای عباسی به اوج تازه ای دست یافت و همزمان با رشد مطالعات علمی و فلسفی و ادبی و تشکیل تمدن عرب در حاشیه دجله و تاسیس

بغداد افسانه‌ای و پیدایش موسیقیدانان بزرگی همچون ابراهیم و اسحق موصلی، از وسعت و رونق بی سابقه برخوردار شد. یادگار این دوره طلایی کتاب ۲۵ جلدی الاغانی است. بخصوص در عهد مأمون و پدرش هارون الرشید که عهد اوج و احترام ایرانیان بوده است. نام و شرح حال عده‌ای از موسیقیدانان قدیم ایران، از آن عهد تا دوره صفویه از این قرار است:

۱- عیسی بن عبداللّه الذاهب طوسی (۸۸-۱۰ ه.ق): مدنی الاصل (اهل مدینه) و از کودکی شیفته موسیقی ایرانی بود که به عنوان اسیر جنگی در مدینه کار می‌کردند. او به نام طویس مشهور شد و در عهد خلافت عثمان به نام بزرگترین موسیقیدانان عرب شناخته شد و از پایه‌گذاران موسیقی عرب گردید. او طنبور و دف را خوب می‌نواخت و اساس موسیقی عرب را پایه‌گذاری کرد.

موسیقی و استاد مسلم بسیاری از موسیقیدانان بعدی نظیر ابن محرز بود. ابن محرز، ملقب به صنّاج العرب، فرزند یک اسیر ایرانی بود و نزد عزه المیلاء شاگردی کرده بود. آوازهای ایرانی و عربی و رومی را به خوبی می‌دانست و اختراع آهنگ «رمل» را به او نسبت می‌دهند.

۴- ابراهیم موصلی (۱۸۸-۱۲۵ ه.ق): اصالتاً ایرانی و از تبار ماهان و بهین (کشاورزان مقیم فارس) بوده است. تولد او در کوفه و معاصر با مهدی خلیفه عباسی بوده است. او استاد آواز و نوازنده بی‌همتای خود بود و مورد لطف مخصوص خلیفه هارون الرشید قرار داشت و هارون الرشید، بی‌احتیای پدرش، مهدی را نسبت به او جبران کرد. ابراهیم موصلی، شاگرد جوانویه زرتشتی بود که از اهالی ری بود. او در ری با شاهک رازی ازدواج کرد که خود اهل موسیقی بود و اسحق موصلی حاصل این وصلت شد. ابراهیم

● عصر طلایی موسیقی ایران دوران ساسانی است که عصر گسترش تمدن و قدرت نظامی و وسعت خاک و قدرت مردم ایران بوده است.

۲- سائب خاثر (سیار) (درگذشته: ۶۱ ه.ق): فرزند یک اسیر ایرانی و شیفته «نشیط» موسیقیدان ایرانی بود. او خود می‌نواخت و آواز می‌خواند و اولین آهنگ خود ثقیل را با اصول صحیح ساخت. سائب خاثر در هنگام شورش مدینه مأمور سرکوبی شورش شد و خود در همان اوان به قتل رسید. از شاگردان زیادی که او داشت، عزه المیلاء، ابن سریج، جمیله و معتد و مشهورند که بعدها از بزرگترین موسیقیدانان عرب شدند.

۳- ابو عثمان سعید بن مسجح (درگذشته: ۱۰۱ ه.ق): از قبیله بنی جمح در مکه و در اصل، غلام و خنیاگر بود. اولین کسی است که موسیقی ایران را با نغمات عربی منطبق کرد و آهنگهای زیادی از ایرانیان اقتباس و به عربی نقل کرد و اشاعه داد و در سفرش به ایران، عملاً در الحان و سازهای ایرانی به مطالعه پرداخت و بعدها در حجاز، موسیقی عرب را در قالب موسیقی ایرانی نظام داد. در مدینه مکتب تعلیم موسیقی دایر کرد و در دمشق به دربار خلیفه راه یافت و مورد تشویق او واقع شد. او حاصل اشاعه دهنده

اسحق با عزت و جلال در دربار هارون الرشید می‌زیستند تا جایی که هارون از او عیادت می‌کرد و موقع مرگ بر جنازه او نماز گزارد. ابراهیم موصلی تنها کسی بود که بر موسیقیدان قدرتمند عرب استاد ابوالقاسم ابن جامع فائق آمد و او را مؤلف کتاب «النغم و الايقاع» دانسته‌اند. ابراهیم موصلی شاگردان بسیاری تربیت کرد که عامل حفظ و اشاعه موسیقی جهان اسلام شدند.

۵- اسحق موصلی (۲۳۵-۱۵۰ ه.ق): پدر و مادرش هردو موسیقیدان بودند و دایی او منصور زلزل رازی (که فاصله موسیقیایی معروف به «زلزل» از اوست) نیز از موسیقیدانان والا مرتبه آن عهد بود. اسحق، هم خواننده است و هم نوازنده چیره‌دست و نیز معلم و شاعر و ادیب و ندیم فوق‌العاده‌ای بوده است. او روش پدرش را در حفظ و اشاعه موسیقی و تربیت شاگردان ادامه داد. از شاگردان او زریاب داراب گردی معروف است و از کتابهای اسحق اثری در دست نیست.

۶- ابوالفرج اصفهانی (۳۵۶-۲۸۳ ه.ق):

ایرانی الاصل و متولد بغداد و نویسنده کتاب عظیم «الاهانی» است که دایرة المعارف تاریخ شعر و موسیقی جهان اسلام است. این کتاب بارها در کشورهای عربی به نفیس ترین وضعی چاپ شده و در ایران، ترجمه برگزیده آن به کوشش دانشمند فقید دکتر مشایخ فریدنی به چاپ رسیده است. ابوالفرج اصفهانی برای نگارش این کتاب پنجاه سال وقت صرف کرد. او در دانشهای گوناگون توانایی داشت و به قدرت حافظه و روانی طبع مشهور بود. در اواخر عمر دچار اختلال حواس شد و در پریشانی درگذشت.

۷- ابن سینا (۴۲۸-۳۷۰ هـ. ق.): از معروف ترین دانشمندان ایرانی در جهان اسلام که احوال و آثارش بی نیاز از توصیف است. ابن سینا به موسیقی عملی نا آشنا بوده ولی همت خود را صرف موسیقی علمی و نظری کرده است. با آراء یونانیان و نظرات حکیم فارابی مانوس بوده و گفته معروف «این علم، ولی مرد میدان این علم کجاست؟» از اوست. رساله تحقیقی او به عربی درباره موسیقی، جزئی از کتاب «اشفا» ست و رساله موسیقی او به زبان فارسی که جزوی از کتاب مشهور «دانشنامه علایی» است به اهتمام فاضل فقید سید تقی پیش به چاپ رسیده است.

۸- امام محمد غزالی (فوت: ۵۰۵ هـ. ق.): فقیه، فیلسوف، متکلم و دانشمند به نام ایران که از معروفترین عرفا نیز هست. نظر به تحریم موسیقی در شرع مقدس، او به بخش عملی موسیقی نپرداخت و در عوض، در موسیقی نظری تخصص داشت. قسمتی از کتاب مشهور «احیاء علوم الدین» او اختصاص به موسیقی دارد. بخشهای مربوط به حرمت و حلیت موسیقی، آوازهای خوش و ناخوش، موجبات تحریم فنا، شرح آوازها و سازهای موسیقی در اویش و صوفیه نیز در این کتاب نوشته شده است. برادر او مجدالدین غزالی (فوت: ۵۱۸ هـ. ق) نیز به موسیقی عرفا و متصوفه توجه داشت و کتابی به نام «بوارق الماء فی رد علی بحر السماء بالاجماع» نوشته که به اهتمام فاضل گرامی آقای احمد مجاهد به فارسی ترجمه شده است.

۹- صفی الدین ارموی (۶۹۳-۶۱۳ هـ. ق.): ایرانی الاصل، متولد ارومیه و متوفی در بغداد است. او معاصر با المعتصم بالله خلیفه عباسی بوده است و کار تئوریک او، فاصله دو سه قرن رکود از زمان فارابی و ابن سینا تا دوره خودش را جبران کرده است. او به نوشته های قدما نظر و دقت زیاد داشت و خود نیز گنجینه های گرانبها بر آنها افزود. نظام فواصل موسیقی ایران بر پایه «دور» مخصوص او استوار است که فاصله بین دو نت همنام (اکتاو) را به ۱۷ قسمت تقسیم کرده و هنوز هم معتبر است. رساله شریفه و الادوار او به اهتمام فاضل فقید سید تقی پیش به فارسی ترجمه شده و در اختیار قرار گرفته است.

۱۰- ابونصر محمد بن فارابی (۳۳۹-۲۵۹ هـ. ق.):

معروف به «معلم ثانی»، دانشمند و فقیه و عارف و فیلسوف و ادیب و موسیقیدان بلند مرتبه زمانی بوده که افسانه های فراوان راجع به او نقل شده است. او متولد قریه دسیج از شهرستان فاراب خراسان بود و در تمام زمینه های علمی دارای کتاب و رساله است.

فارابی، عود را بخوبی می نواخت و به نظریات یونانیان در باب موسیقی مسلط بود. در بسیاری از آثار او از جمله احصاء العلوم، اشارات زیادی به موسیقی هست ولی کتاب عظیم و درخشان او به نام «الموسیقی الکبیر»، نخستین متن کامل و دقیق و علمی درباره موسیقی است که تا امروز به یادگار باقی مانده است. فارابی در این کتاب به تمام وجود و جوانب موسیقی می پردازد: نسبتهای ریاضی، فواصل، سازها و الحان، شیوه اجرا و ... آثار او سالهای سال در دانشگاههای اروپا تدریس می شد. نظریات او درباره فواصل و به ویژه گام مخصوصی که به نام اوست، شهره آفاق علم موسیقی در جهان است. در ایران، دانشمند فقید دکتر مهدی برکشلی، تنها کسی بود که به طور دقیق و مستمر درباره فارابی و نظرات موسیقی او مطالعه کرد و کتابهای «موسیقی فارابی» و «اندیشه های علمی فارابی درباره موسیقی» را در سالهای ۱۳۵۱ و ۱۳۵۶ درباره او نوشت. بخش دوم کتاب الموسیقی الکبیر نیز در سال ۱۳۷۴ توسط آقای ابوالفضل باننده اسلامدوست ترجمه و منتشر شده است. تطبیق طنبور خراسانی با طنبور بغدادی از پژوهشهای معروف و منسوب به اوست - سایر کتابهای موسیقی او عبارتند از: کلام فی الموسیقا، احصاء الايقاع، فی الثغره و مضاف الی الايقاع

۱۱- عبدالقادر مراغی (۸۳۸-۷۵۴ هـ. ق.): ایرانی الاصل و با نام کامل خواجه ابوالفضائل کمال الدین عبدالقادر بن حافظ غیبی مراغی. متولد مراغه بود و در کودکی نزد پدر، ادبیات و قرآن و فقه و خوشنویسی آموخت. موسیقی را هم نزد پدرش آموخت و در جوانی به فضل و هنر شهرت یافت. مراغه در آن زمان مرکز علم و هنر بود و رصدخانه اش معروفیت داشت. کتاب او به نام «شرح الادوار» که شرحی است بر کتاب «الادوار» صفی الدین ارموی، شناخته شده است. ولی اثر مهم و پر محتوای او، «مقاصد الالحان» است که آخرین متن علمی و پایه ای موسیقی نظری ایران در دوره اوج تمدن و شکوفایی مدنی ایران به شمار می آید. مراغی، از سمرقند به آسیای صغیر رفت و کتابش را برای تقدیم به سلطان عثمانی (مراد دوم) همراه برد. ولی به سمرقند برگشت و تا آخر عمر در آنجا به سر برد. کتابهای او عمدتاً در نسخه های نفیس، در کتابخانه های مهمی چون نور عثمانیه (ترکیه)، اسکندریه (مصر) و آستان قدس رضوی (ایران) نگهداری می شود. مقاصد الالحان دوازده فصل و دو پیوست دارد و از کتابهای خواندنی و مهم در موسیقی نظری ایران است. سایر کتابهای او عبارتند از جامع الالحان (به اضافه رساله خاتمه آن) و

کنز الالحان که از این آخرین کتاب هیچ اثری باقی نیست. عبدالقادر نوازنده بی همتای خود و نواپرداز کم نظیری بوده و ساختن بسیاری قولها و تصنیفها و دوره های مختلف منسوب به اوست. دو کتاب مهم او به کوشش قابل توجه فاضل فقیه سید تقی بینش در سالهای ۱۳۴۴ و ۱۳۵۶ و ۱۳۶۶، تصحیح و منتشر شد. فرزند عبدالقادر مراغی، عبدالعزیز، به موسیقی وارد بود و مؤلف کتاب تلاوت الادوار است که در کتابخانه نور عثمانیه اسلامبول نگهداری می شود.

۱۲- قطب الدین محمد شیرازی (۷۱۰-۶۴۴ هـ. ق): او نیز ادیب و طبیب و فقیه و متکلم و عارف معروف زمان خود بود و با شیخ مصلح الدین سعدی نسبت نزدیک داشت. در موسیقی نظری متخصص بود و بخش مهمی از دایرة المعارف وسیع علمی او به نام ادره التاج لغرة الدباج، اختصاص به موسیقی دارد. این کتاب در

اواخر همر نابینا شد و در پریشانی درگذشت.
۲- فرخنی سیستانی (وفات ۴۲۹ هـ. ق): ابوالحسن علی بن جولوق از اهالی سیستان و شاعر مقرب دربار چغانیان و دربار غزنویان بود. مهارت فرخی در نواختن چنگ و برهت و وزن شناسی او در شعرش تأثیر گذاشته است.
۳- منوچهری دامغانی (وفات: ۴۳۲ هـ. ق): شاعری موسیقی شناس بود و دیوان او مرجع کامل برای مطالعه نامهای متعلق به انواع الحان موسیقی دوره ساسانی است که به احتمال زیاد تا دوره منوچهری حفظ شده بوده است.

۴- نظامی گنجوی (وفات: ۵۹۹ هـ. ق): نورالدین عبدالرحمن ملقب به خاتم الشعراء، متبحر در ادب فارسی و عرب و فقه و نجوم و سایر علوم زمان خود از قبیل موسیقی بود. تخصص او در موسیقی نظری بود و جایگاه موسیقی در شعر او بسیار روشن است. نسخه اصلی رساله موسیقی او در

در قرن بیستم، قواعدی که ثابت به نظر می آمدند، تجدیدنظر شدند.

کتابخانه آکادمی ازبکستان شوروی نگهداری می شود. در سال ۱۳۴۱ هـ. ش به چاپ رسیده است. در سال ۱۳۴۰-۱۳۴۱ نیز این رساله به کوشش فاضل گرامی شادروان هوشنگ مرشد زاده که نسخه ای از آن را در بخش نفایس خطی کتابخانه ملک (تهران) یافته بود، در مجله موزیک ایران به کوشش مرحوم بهمن هیرید چاپ کرد.

۵- قاتنی (وفات: ۱۲۴۸ هـ. ش): شاعر معروف عصر ناصرالدینشاه و اهل موسیقی بوده که تأثیر اوزان موسیقی در اشعار او هویداست و نام الحان و سازهای موسیقی و موسیقیدانان آن عهد در آنها هست. پایه هنری قاتنی و معاصران او با قداما قابل مقایسه نیست ولی به لحاظ مطالعات ادبی حائز اهمیت است.

۷- فرصت شیرازی (وفات: ۱۲۹۹ هـ. ش): میرزا محمد نصیر شیرازی ملقب به فرصت الدوله، تنها شاعر نبود بلکه ادیب و عربی دان و ملهجم و سیاستمدار و فاضل جامع الاطراف دوره خود بود. تألیف دلنشین او به نام «بحورالالحان» از آخرین کتابهای موسیقایی دوره قاجار است که در حقیقت برگزیده ای از اشعار قلمی و معاصران است که برای خوانندگان در دستگاههای مختلف مناسب تشخیص داده شده اند. کلیاتی از موسیقی ایرانی نیز در این کتاب نوشته شده است. «بحورالالحان» ابتدا توسط مرحوم علی زرین قلم و شادروان حسین کوهی که بانی چاپ شد و آخرین تصحیح پاکیزه از آن را آقای محمد قاسم صالح رامسری چاپ کرده است.

ادامه دارد

سالهای ۱۳۲۰-۱۳۱۰ توسط دانشمندان فقید سید محمد مشکوة و سید حسن مشکان طبسی تصحیح و منتشر شده است.

□ شعرای موسیقی شناس:

از دیرباز در ایران، شعر و موسیقی توأمان یکدیگر بوده اند و هر کدام در لباس دیگری جلوه گری کرده اند. شعرای بزرگ مثل نظامی و حافظ موسیقی دان و موسیقی شناس بوده اند و موسیقیدانان بزرگ همچون عبدالقادر مراغی شعرشناس و شاعر بوده اند. موسیقی و فرهنگ خاص آن در شعر بسیاری از شعرای بزرگ جلوه ای درخشان و جایگاهی مهم دارد. در اینجا از چندتن شاعرانی که موسیقی در آثار آنها حضوری بارز دارد، یاد می کنیم و نیز از فاضل متوفی حسینعلی ملاح که نخستین کس در شناساندن مقام موسیقایی شعرای قلمی، و صاحب کتابها و مقالات زیادی در این زمینه است.

۱- رودکی (وفات: ۳۲۹ هـ. ق): ابو عبدالله جعفر بن محمد رودکی متولد رودک سمرقند و از اولین شعرای ایرانی است. او چنگ و برهت را به استاد می توانسته و در آوازخوانی و بخصوص مناسب خوانی مهارت داشته است. او در هشت سالگی حافظ قرآن بود و شعر نیز می سرود. از طاهر خسروانی و بختیار، موسیقیدانان عصر خود، تأثیر نواي سحرآمیز موسیقی و شعر رودکی در بازگردان امیر ساسانی به بخارا با شعر معروف «بوی جوی ملیان آید همی» از داستانهای منسوب به اوست. رودکی در